



نشر دہلہ
چاپ چہارم

من لیا قتم خدا حافظی بہتری بود



آکیرا

نہال سپیلی فر

بہ نام لو

من لیاقتہ
خدا حافظی بہتری
بود

آکیرا

نہال سہیلی فر



سرشناسه: آکیرا، Akhira
عنوان و نام پدیدآور: من لیاقتم خدا حافظی بهتری بود/آکیرا، ترجمه نهال سهیلی فر.
مشخصات نشر: تهران: نشر داهی، ۱۴۰۳.
مشخصات ظاهری: ۲۰۸ صفحه؛ سایز کتاب ۲۰×۱۳ س.م.
شابک: 978-622-91686-7-7
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
عنوان اصلی: i deserved a better goodbye, 2023
موضوع: شعرهای کانادایی، قرن ۲۱ م.
شناسه افزوده: سهیلی فر، نهال، ۱۳۷۶ - ، مترجم.
رده بندی کنگره: PR۹۱۹۹/۳ رده بندی دیویی: ۸۱۱/۶
شماره کتاب شناسی ملی: ۹۷۵۰۲۸۹

من لیاقتم خدا حافظی بهتری بود

نویسنده: آکیرا
مترجم: نهال سهیلی فر
چاپ اول: ۱۰۰۰ نسخه، پاییز ۱۴۰۳
ویراستاری و نسخه پردازی: گروه تولید نشر داهی
مدیر چاپ و تولید: سعید جواهری
ناشر همکار: نشر مجید
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۶۸۶-۷-۷
تمامی حقوق چاپ این کتاب برای نشر داهی محفوظ است.
هرگونه اقتباس از این اثر، منوط به اجازه کتبی از ناشر است.



تهران، میدان انقلاب، خیابان انقلاب، خیابان ۱۲
فروردین، کوچه نوروژ، پلاک ۱
تلفن: ۶۶۴۶۹۱۸۴ - ۶۶۴۶۸۳۲۲
Instagram: @DaahiBook & @majidpub
www.daahibook.com

سلام



۱۰:۰۰ شب

هنوز یادمه که وقتی برای اولین بار

از سر قرار با تو اومدم خونه

چه لبخند بزرگی روی لبم بود.

۱:۱۵ صبح

هنوز اولین باری که کل شب رو

با هم بیدار موندیم یادمه.

۱۷:۰۶ عصر

من هنوز احساسم رو

موقعی که برای اولین بار دستم رو گرفتی، یادمه.

۱۱:۰۸ صبح

از وقتی تو رو دیدم،

دیگه هیچ کس برام

ارزش فکر کردن نداشته.

۱۲:۰۳ نیمه شب

کاش تو اینجا بودی

یا من اونجا بودم

یا با هم یه جا بودیم.

۸:۲۲ صبح

تو عشقی هستی که یهو سروکله‌اش پیدا شد؛

قبل از این که بتونم اعتراضی بکنم

دلم رو به دست آورده بودی.

۵:۲۶ صبح

صحبت‌های کوچولو و احمقانه‌مون

بیشتر از چیزی که فکر می‌کنی

برام معنا دارن.

۷:۱۲ عصر

خواهش می‌کنم عاشق

کس دیگه‌ای نشو.

۴:۴۴ صبح

من باید خواب باشم،

ولی هنوز بیدارم

و دارم به تو فکر می‌کنم.

۹:۴۳ شب

عاشق کسی شدم که هیچوقت فکرش رو هم
نمی کردم.

۱۱:۲۹ شب

هیچ وقت لحظه‌ای رو که

فهمیدم عاشقت شدم

فراموش نمی‌کنم.

۳:۵۶ ظهر

فقط شنیدن اسمت

باعث می شه عین احمق ها

لبخند بزنم.

۱۱:۵۹ شب

تو هر روز و همیشه

اولین و آخرین فکری هستی

که توی سرم می‌گذره.

۱:۴۴ صبح

لطفاً به عشقم نسبت به خودت شک نکن،

این تنها چیزیه که من ارزش مطمئنم.

۹:۰۵ شب

وقتی کم کم عاشقت شدم،

فهمیدم که هیچ وقت

این جوری عاشق کسی نشده بودم.

۱۱:۸ شب

حالا که از هم دوریم،

این قدر گوگولی نشو.

۵۴:۲ شب

تو کسی هستی که من کل شب
بهبش فکر می‌کنم
و اتفاقات بامزه‌ای به ذهنم می‌رسه
که دلم می‌خواد بیفتن.

۷:۰۰ عصر

تو ارزش کیلومتر، کیلومتر از این فاصله رو داری.

۹:۳۳ شب

می‌خواهم هر کاری که تا حالا نکردم رو،

با تو انجام بدم.

۵:۲۴ صبح

کاش زودتر دیده بودمت،

که می شد طولانی تر دوستت داشته باشم.

۱۸:۰۶ عصر

همه‌اش خوشحالی‌هام رو پیش تو تصور می‌کنم.

۱:۰۹ ظهر

بخش بخش وجودم عاشق بند بند وجودته.

۱۲:۴۵ ظهر

خیلی خوشم می‌آد از این که

تو تمام چیزی هستی که

همیشه دلم می‌خواست.

۳:۰۸ شب

هر روز بیشتر معتادت می شوم.

۷:۱۴ صبح

فقط تویی که می‌تونی این احساس رو بهم بدی.

۴:۲۱ صبح

تو همه‌جوره برای من ساخته شدی.

۹:۱۵ شب

و بعد دیدمت...

۱:۰۳ صبح

معتادِ فکرِ باهم بودنمونم.

♦♦۵: صبح

گاهی آدم‌هایی که هزاران کیلومتر باهات فاصله

دارن

بیشتر از کسانی که درست کنارت هستن

می‌تونن حالت رو بهتر کنن.

۱۷:۸ شب

ما به کلمات احتیاجی نداشتیم

ما فقط به هم نگاه کردیم و

لبخند زدیم.

چشمات همه چی رو گفت.

۴:۱۴ شب

منصفانه نیست که من دارم بهت فکر می‌کنم
و تو حتی احتمالاً اصلاً به من فکر نکردی.

۱۱:۱۱ شب

برام سؤاله که یعنی می شه یه موقعی

همزمان به هم فکر کنیم.

۳:۵۹ بعد از ظهر

من بدجوری تلاش کردم

تا اونی باشم که تو لازم داشتی.

۲:۵۰ صبح

و بعضی از خاطرات

هیچ وقت رها نمی‌کنم.

۷:۰۹ عصر

با تمام وجودم امیدوارم
که تا تهش با هم بمونیم.

۱۲:۴۴ ظهر

وقتی همه می خوانت

دلم می خواد من اونی باشم

که تو انتخاب می کنی.

۱۰:۴۸ صبح

هیچ وقت از چشم‌های قهوه‌ای خوشم نمی‌اومد

تا زمانی که چشم‌های تو رو دیدم.

۸:۳۰ صبح

فکر کردم اگه طوری رفتار کنم

که انگار اهمیتی نداره

اهمیتش رو از دست می ده.

_ اما اهمیت رو از دست ندادی.

۱۱:۱۵ شب

تو هنوز نوتیفیکیشن مورد علاقه منی.

۹:۳۸ شب

سعی می کنیم احساساتمون رو با سکوت پنهان

کنیم

ولی فراموش می کنیم که چشم هامون حرف

می زنن.

۶:۳۴ عصر

دوست دارم بدونی،

اما نمی‌خوام خودم بهت بگم.

۱:۰۷ صبح

دردناکه که می‌دونی هیچ‌وقت نمی‌تونی با یکی
باشی

اما باز نمی‌تونی جلوی عاشق‌شدنت رو بگیری.

۵۰:۱۱ شب

قبل از اینکه وقت تموم شه بگو

قبل از اینکه خیلی دیر شه بگو

احساست رو بگو

صبر کردن اشتباهه.

۲:۲۲ صبح

یه چیزی بهم می‌گه که

قراره تا ابد

دوست داشته باشم.

۳:۱۷ صبح

چون هیچ وقت فکر نمی کنی

که بار آخر

بار آخره

فکر می کنی

دفعه های بعد هم هست

فکر می کنی تا ابد وقت داری

اما نداری.

۱:۲۹ صبح

با یا بدون بحث،

تو هنوز همونی هستی که دلم می‌خواد.

۱۱:۰۰ صبح

اگه نمی‌تونیم از هم دور بمونیم

شاید نباید بمونیم.

۱۱:۳۹ شب

اگه واقعاً دوستش داری،

صبر کردن رو یاد بگیر

شاید امروز قسمت نباشه

با هم باشین،

اما آینده تون با همه.

۱:۴۳ صبح

گاهی دو نفر باید از هم جدا باشن

تا بفهمن چقدر نیاز دارن که

برگردن پیش همدیگه.

۵۲:۱۰ شب

من همیشه

بہت فکر می کنم

حتی وقتی

کلی نگرانی دارم

حتی شب‌ها دیروقت.

تو همیشه

توی فکر می.

۵:۳۷ صبح

من می‌ترسم از دستت بدم

ولی از اون‌ور هم...

تو اصلاً مال من نیستی.

۸:۵۹ شب

اگه دارم باهات حرف می‌زنم

یعنی اهمیت می‌دم

اگه سکوت کردم

یعنی دیگه کاری ندارم.

♦♦♦ ۴:۰۰ صبح

من عاشقت شدم

نمی‌دونم چجوری،

نمی‌دونم چرا،

فقط عاشقت شدم.

۷:۴۴ عصر

یه جوری نگاهم می کنی

که قلبم می خواد وایسه.

۱۱:۲۷ شب

قبل از این که ببینمت،
نمی‌دونستم این که به یکی
نگاه کنی و بی دلیل
لبخند بزنی
چه حالیه.

۱۱:۱۷ شب

من عشق و دوستی رو توی یه نفر پیدا کردم.

۳:۱۹ صبح

تو همیشه آدم مورد علاقه من می مونی، همیشه.

۸:۲۳ شب

... و خیلی زود عاشقت شدم.

۹:۰۹ شب

هیچ وقت یادم نمی‌ره

اولین بار چطوری نگاهم کردی.

۲:۱۷ صبح

من مال توام،

حتی توی این انتظار،

من مال توام.

۴:۵۴ صبح

تو جایی توی دل من داری
که هیچ کسی نمی‌تونه داشته باشه.

۸:۵۷ شب

تو همون «هیچی» ای هستی

که وقتی آدم‌ها می‌پرسن

به چی فکر می‌کنم،

در جوابشون می‌گم.

۷:۱۸ شب

وقتی همیشه برمی گردین پیش هم

می فهمی پیوندتون واقعیه.

۱۰:۱۰ شب

می شه لطفاً تا ابد با هم بمونیم؟

عشق



۱:۲۷ صبح

از بین تمام دروغ‌ها،

«دوست دارم»

دروغ مورد علاقه‌ام بود.

۷:۵۹ عصر

ما هر دو دروغگو هستیم:

تو تظاهر می‌کنی اهمیت می‌دی

من تظاهر می‌کنم که نمی‌دم.

۱۲:۱۱ شب

من هنوز یادمه، تو چی؟

۱۲:۵۴ بعد از ظهر

بعد از تو،

دیگه عاشق هیچ کسی نمی شم.

۷:۳۳ عصر

هیچ کس نمی‌تونست عشقی که نسبت بهت داشتم

رو درک کنه

حتی خودت.

۱۱:۴۸ شب

برام مهم نیست چند دفعه می‌ذاری می‌ری

من همیشه منتظر برگشتنت می‌مونم.

۱۲:۱۲ بعد از ظهر

بعضی از بهترین لحظات زندگی

همون‌هایی هستن که نمی‌تونی

برای بقیه تعریفشون کنی.

۹:۱۹ صبح

بزرگ‌ترین اشتباهم

این نبود که عاشقت شدم

این بود که فکر کردم

تو هم عاشقم شدی.

۵:۴۶ صبح

نمی‌تونم از دستت بدم

چون اگه از دستت بدم،

بهترین دوستم،

نیمه گمشده‌ام،

لبخندم،

خنده‌ام،

همه‌چی‌ام

رو از دست می‌دم.

۶:۳۷ عصر

دوست داشتن تو عاقبت نداشت.

۷:۰۵ صبح

من هنوز اینجام،

بی سروصدا دوست دارم.

۲:۴۹ صبح

جرئت داری وقتی دیگه من دلم برات تنگ نشد

تو دلت برام تنگ بشه.

۳:۱۳ صبح

راستش رو بخوای،

فکر نمی‌کنم تو هیچ‌وقت واقعاً دوستم داشتی

فقط شب‌ها یه کم حس تنهایی می‌کردی

و دوست داشتی که من دوست داشته باشم.

۴:۵۶ صبح

یعنی دوباره با هم حرف می‌زنیم؟

یعنی شماره‌ام رو پاک کردی؟

یعنی هنوز بهم فکر می‌کنی،

همون طوری که من بهت فکر می‌کنم؟

دارم جون می‌دم که بدونم

توی زندگی‌ات چه خبره.

اما سؤالی نمی‌پرسم

چون ما الان دیگه غریبه‌ایم،

غریبه‌هایی که با هم خاطره دارن.

۳:۵۹ صبح

نگو دلت برام تنگ شده

اون هم وقتی رفتن من

تقصیر خودت بود.

۱۱:۱۷ صبح

و با اینکه می‌دونستم زجر داره،

ولی تو رو انتخاب کردم...

۹:۴۱ شب

دلم برای وقت‌هایی تنگ شده
که واقعاً برات اهمیتی داشتم.

۲۷:۱۰ شب

من رو برگردون به اون ماهی

که فکرت درگیر من بود و

تنها چیزی که می‌خواستی من بودم.

♦♦۹:۰۰ صبح

دلم تنگ شده برای وقت‌هایی که بیدار می‌شدم و
ازت پیام داشتم.

۸:۴۴ شب

خاطره ساختن با تو،

کار مورد علاقه منه.

۱۱:۱۹ صبح

یه روزی باهات ازدواج می کنم.

۱۱:۴۹ شب

به خاطر تو

سر همه چی ریسک می کنم.

۱۲:۵۹ بعد از ظهر

من دلم برای تو تنگ نشده،

دلم برای آدمی که فکر می کردم هستی

تنگ شده.

۵:۴۴ صبح

دلم برای حرف زدن با توی قدیمی تنگ شده.

۳:۲۹ صبح

دوباره شروع شد

کارهای ناواضح تو و

دودل شدن های من.

۳۰:۱۰ شب

اگه من رو نمی‌خوای

چرا هی برمی‌گردی؟

۵:۵۵ صبح

اشتباه برداشت نکن،

تو هنوز قدرِ یه دنیا

برام ارزش داری

فقط دیگه ارزش نداره برات بجنگم.

۷:۴۴ عصر

ولی کی می دونه،

شاید یہ روزی

کاملاً موافق میل ہم شدیم۔

۹:۵۷ شب

اگه می خواستی

مال تو می شدم

ولی هیچ وقت نمی خواى.

♦♦♦ ۶ عصر

از روزهایی مثل امروز

که به معنای واقعی

تک تک کیلومترهای بینمون رو

احساس می کنم

متنفرم.

♦♦ ۸: شب

حتی نمی‌تونم دستت رو بگیرم،

اما یه جوری عاشقتم

که هیچ‌کی نمی‌تونه درک کنه.

۲:۵۶ بعد از ظهر

اگه چیزی که بینمون بود

واقعی بود،

پس چرا الان حال تو خوبه؟

۵۵:۱۰ شب

من دلم می‌خواد باهات حرف بزنم،
معلومه که دلم می‌خواد باهات حرف بزنم،
فقط مطمئن نیستم که تو هم دلت بخواد با من
حرف بزنی.

۷:۳۷ عصر

فکر کنم همیشه دوست خواهم داشت

و این خیلی من رو می ترسونه.

۸:۳۳ شب

تو هنوز نیمه گمشده منی،

حتی اگه من مال تو نباشم.

۱۱:۰۰ شب

ما وقتی همدیگه رو از دست دادیم

که منتظر موندیم اون یکی

اول تکست بده.

۶:۵۷ عصر

می‌گی نمی‌خوای از دستم بدی
اما جوری هم رفتار نمی‌کنی انگار که بخوای
نگه‌م داری.

۵:۵۷ صبح

دلیل این که نمی‌تونیم کسی رو رها کنیم
اینه که از عمق وجودمون هنوز امیدواریم.

۸:۴۱ شب

و بعد یه جوری بهت لبخند زدم

انگار نه انگار که قراره بعدش سرت گریه کنم.

۹:۴۴ شب

گاهی سخت‌ترین بخش دوست‌داشتن کسی
لحظه‌ایه که می‌فهمی بهترین کاری که از دست
برمی‌آد
اینه که رهاش کنی بره.

۶:۴۹ عصر

رها کردن کسی که دوستش داری آسون نیست،

وقتی که می‌فهمی کار درست همینه

حتی سخت‌تر هم هست.

۲:۱۱ صبح

قبلاً با تمام وجودم

سخت می جنگیدم،

که نگهت دارم...

که نگهمون دارم.

حالا دارم با تمام

وجودم می جنگم

که رهاش کنم

و رهامون کنم...

۹:۵۱ شب

من برای رفتنت آماده نبودم،
ولی این تصمیمش چندان با من نبود
و تمام حرفی که می‌شد بزنم
«باشه» بود.

۴:۵۰ عصر

یه روز داشتم خنده و لبخند به لب ت می آوردم،
فرداش گفتمی که رابطه مون شدنی نیست.

۴۴:۱۰ شب

خب بیا به هم بی محلی کنیم،
وانمود کنیم اون یکی وجود نداره،
اما ته دلمون،
هر دومون می دونستیم که قرار نبود
این جوری تموم بشه.

۵۴:۶ عصر

و یهو متوجه شدم که چرا نمی‌گذرم،

چرا نمی‌خوام رها کنم

چون رها کردن به معنی پذیرفتن

آینده‌ای بدون تو بود

و شاید این یه چیزیه که من هنوز آمادگی انجامش

رو ندارم.

۱۲:۰۴ شب

من هنوز سعی دارم بفهمم

چرا کائنات دو نفر رو با هم جفت می کنه

بعدش از هم جدا می کنه،

این بی رحمیه.

۱۲:۰۸ شب

من فقط دلم برای نگات، لبخندت،

صدات، خودت

تنگ شده.

۸:۲۰ شب

دلم تنگ شده برای هر دقیقه از هر روز

صحبت کردنمون

و این که چطور می‌تونستم هر چیزی که توی ذهنم

بود رو بهت بگم

دلم برات تنگ شده

دلم برای حرف زدن هامون تنگ شده.

۸:۴۶ شب

تا حالا عاشق کسی شدی

که می‌دونستی نباید بشی؟

سخت بجنگی تا جلوی احساسات رو بگیری،

اما نتونی؟

هر روز که می‌گذره بیشتر و بیشتر عاشق می‌شیم،

اما هر جوری که از دست برمی‌آد

سعی می‌کنی مخفی‌اش کنی.

۵:۵۸ صبح

سخت‌تر از همه

گذشتن از آدمیه

که هیچ‌وقت نداشتی‌اش.

۵۳:۱۰ شب

من ذره ذره غریبه شدنت رو تماشا کردم.

۱۲:۴۵ ظهر

کاش قدرتش رو داشتم

که مثل خودت

نادیده‌ات می‌گرفتم.

۷:۵۹ عصر

دلم برای صحبت کردن هامون تنگ شده

دلم برای لبخندهامون تنگ شده

دلم برای شوخی هامون تنگ شده

اما

بیشتر از همه،

دلم واسه خودت تنگ شده.

۳:۲۱ بعد از ظهر

هیچ وقت نباید اهمیت می دادم،

اما اهمیت دادم

خیلی اهمیت دادم

و هنوزم اهمیت می دم.

۴:۵۲ صبح

دل من هیچی رو غیر از تو نمی‌خواد.

۶:۴۷ عصر

دوست داشتنت اشتباه نبود

اما این که فکر می کردم تو هم دوستم داری

اشتباه بود.

۸:۵۷ صبح

کاری کردی که احساس کنم

واقعاً از من خوشتر می‌آد

و بعد گذاشتی رفتی،

انگار که

الکی بود.

۱۱:۰۸ شب

منتظر پیامی ام

که می‌دونم نمی‌آد،

می‌دونم که باید بخوابم،

اما همه‌اش به خودم می‌گم

«یه دقیقه دیگه»

و بعدش دیگه چک نمی‌کنم

تا ببینم تو هم دلت برام تنگ شده یا نه.

۴:۱۱ صبح

اما من همیشه فکر می‌کردم که تو برمی‌گردی.

۹:۱۲ صبح

تو رفتی، ولی همه جا هستی.

۲:۵۸ صبح

وقتی عشق زندگیا ت رو از دست می‌دی،

فرقی نمی‌کنه ۱۷، ۳۹ یا ۸۰ ساله باشه

این قضیه

تا آخر عمرت عذابت می‌ده.

۱۱:۱۳ شب

صدات،

خواهش می‌کنم نذار صدات یادم بره.

۸:۰۸ شب

آخرین باری که دیدمت
باید محکم‌تر بغلت می‌کردم.
خدا حافظی



۷:۰۰ صبح

دیگه خبری از پیام‌های صبح‌به‌خیر نیست.

دیگه خبری از پیام‌های شب‌به‌خیر نیست.

دیگه خبری از دوست دارم نیست.

دیگه خبری از خبر بده وقتی رسیدی خونه نیست.

دیگه خبری از مراقب خودت باش نیست.

دیگه خبری از چی کار می‌کنی و غذاخوردی یا نه

نیست.

دیگه خبری از یادآوری نیست.

دیگه خبری از برنامه‌های آینده نیست.

دیگه خبری از گوش دادن به اتفاقات روز،

غرغرها یا مشکلات نیست.

دیگه خبری از تعریف و تمجید و نوشتن

پیام‌های طولانی نیست.

دیگه خبری از نوتیفیکیشن از سمت تو نیست.

دیگه خبری از ما نیست...

♦♦ ۸: شب

هر باری که بهت فکر می‌کنم،
باید به خودم یادآوری کنم که
اگه می‌خواستی با من بمونی،
می‌موندی.

۲:۲۷ صبح

این که با هم حرف نمی‌زنیم
دلیل نمی‌شه که بهت فکر نکنم.
من فقط سعی دارم
ازت فاصله بگیرم
چون می‌دونم که نمی‌تونم
داشته باشمت.

۷:۰۷ صبح

از دیدنت متنفرم

چون تو احساساتی رو درونم زنده می کنی
که سخت تلاش کردم فراموششون کنم.

۹:۱۹ شب

امیدوارم یه روز به گذشته فکر کنی و

بینی که چی داشتیم

و بعد از تک تک کارهات

که باعث تموم شدن رابطه مون شد

پشیمون بشی.

۴:۱۴ صبح

گاهی

به دلیل خاطراته که

نمی‌تونیم از یه کسی بگذریم.

۵:۲۵ عصر

دلم برات تنگ شده

نه، بذار اصلاحش کنم

دلم برای توی قدیمی تنگ شده

همونی که بهم اهمیت می داد

همونی که اون قدر باهام خوش رفتار بود.

♦♦:۵ عصر

متنفرم از این که هنوز امیدوارم
یه روزی دلت برام تنگ بشه.

۴:۰۴ صبح

همیشه به خودمون فکر می‌کنم.

نمی‌دونم آخر فصله و

تو بعداً می‌آی

یا کلاً پایان داستانه،

اما مدام دارم بهت فکر می‌کنم.

دوست دارم، دلم برات تنگ شده.

و متأسفم که

بینمون این‌جوری شد.

۳:۵۵ صبح

سخت‌ترین قسمت رها کردن

فهمیدن اینکه که

طرف مقابل خیلی وقته رها کرده.

۱۰:۱۱ شب

می‌خواستم بهت پیام بدم،

اما یادم اومد

که دیگه با هم حرف نمی‌زنیم.

۱۲:۱۲ شب

شاید این تمام چیزیه که همیشه خواهیم بود،

جمله‌ای ناتمام

داستانی نصفه

که بدون پایان‌بندی

تموم شده.

۶:۰۶ عصر

حالا بیشتر از مدت زمانی که می شناختمت
دلم برات تنگ شده.

۱:۰۹ شب

گیر افتادم بین این که

کاش هنوز با هم بودیم

و کاش هیچ وقت هم رو ندیده بودیم.

۱:۰۴ صبح

و به همین راحتی، از دست دادم.

۵۶:۱۰ شب

تو برام همه چیز بودی،
تو مهم‌ترین آدم توی زندگی‌ام بودی
و زدی قلبم رو شکستی
اعتمادم رو
از بین بردی
و من رو داغون کردی.

۱:۰۱ صبح

کاش می‌دونستی
چقدر برام دردناکه،
اما از طرف دیگه هم
نه

ندونی بهتره
اگر می‌دونستی که
شب‌ها گریه می‌کنم
آرزو می‌کنم پیشم بودی
وانمود می‌کنم دستت رو گرفتم
و با تمام آهنگ‌های غمگین
یاد تو می‌افتم،
اون طوری خیلی خجالت می‌کشیدم.

۲:۰۳ صبح

کار من و تو

همیشه نیمه تموم می مونه.

۴:۰۵ صبح

دلم برای خاطراتی تنگ شده که هیچوقت قرار
نیست با هم بسازیم.

۴:۵۳ صبح

بازم یه سال دیگه گذشت.

و من اینجام و هنوز دوست دارم.

۴:۵۲ صبح

تو تقریباً مال من بودی و

من همیشه مال تو بودم.

۱۱:۱۲ صبح

هیچ وقت نمی فهمی که

من حاضرم از چه چیزهایی بگذرم

تا تو دوباره توی زندگی ام باشی.

۱۴:۱۱ شب

حتی اگه آخرش نتونیم با هم باشیم
خوشحالم که بخشی از زندگی ام بودی.

۲:۰۵ صبح

ممکنه بدون کسی زندگی کنی

شیش ماه،

یه سال، پنج سال

و یاد گرفته باشی که چطور بهش فکر نکنی،

ولی فرق نداره چقدر زمان بگذره

همیشه لحظه‌ای هست که

چشمت به عکسش می‌افته

یا توی یه خیابون شلوغ

بوی عطرش به دماغت می‌خوره

و یهو دلت به هم می‌پیچه

و این سؤال توی ذهنت نقش می‌بنده که

«کجای راه رو اشتباه رفتم؟»

۴:۰۷ صبح

رها کردن کسی که هنوز توی قلبت جا داره

و حرف‌های نزده‌ای بینتون هست

کار آسونی نیست.

۳:۱۱ بعد از ظهر

تمام چیزی که می‌دونم اینه که بدون تو گمم.

۱۱:۱۵ شب

من برای تو یه فصل بودم.

تو برای من کل کتاب بودی.

۱۰:۱۰ شب

می‌شه از اول شروع کنیم؟

می‌شه دوباره غریبه بشیم؟

بذار خودم رو معرفی کنم

می‌تونیم بخندیم و حرف بزنیم

و دوباره چیزهایی که الان می‌دونیم رو

دوباره هم بفهمیم

و شوخی‌های جدیدی بین خودمون داشته باشیم

و خاطرات جدید بسازیم

و به همدیگه

یه فرصت دوباره بدیم.

۱۱:۵۷ شب

خیلی دلم برات تنگ شده

ولی می‌دونم که تو بدون من خوبی

و کاشکی که من هم بودم.

۱۱:۴۵ شب

خاطرات همه چیز رو سخت می کنن.

۳:۰۴ صبح

حتی با این همه عذابی که به خاطرت کشیدم،

هنوزم اگه بهم زنگ بزنی جواب می‌دم.

۱۰:۰۰ صبح

از این که باهات آشنا شدم پشیمون نیستم
اما گاهی آرزو می‌کنم که کاش اولش رفته بودم
و همه چیز رو سرِ همون «سلام» تموم می‌کردم.

۴:۴۶ صبح

خیلی دردناکه وقتی می فهمی
به اندازه ای که فکر می کردی
برای طرف مقابلت مهم نیستی.

۲:۵۹ صبح

تو همیشه «چی می شد اگه» ی مورد علاقه من

می مونی.

۲:۰۰ ظهر

۳۶۵ روز بدون تو گذشته

و من هنوز یادمه

چطوری من رو به حال خودم رها کردی.

۱۱:۱۸ شب

بدترین احساس یعنی باید
با کسی که دلت می‌خواد
هر لحظه رو باهاش باشی
خداحافظی کنی.

۱۲:۵۷ شب

و بعد... دیگه هیچ وقت با هم حرف نزدیم.

۱۲:۴۴ شب

می‌گم که دیگه رها ت کردم
اما باز هم دنبال چیزهایی می‌گردم
که من رو یاد تو می‌اندازن.

♦♦۳:۰۰ صبح

ماه‌ها پیش تا ساعت ۳ صبح بیدار می‌موندیم

می‌گفتیم و می‌خندیدیم

ولی امروز

حتی نمی‌دونم چطور بگم «سلام».

۳:۴۴ صبح

بخشی از وجودم به دنبال جوابه،

ولی بخشی از وجودم نمی‌خواد بدونه

بخشی از وجودم

نمی‌خواد رها کنه،

اما بخشی از وجودم

می‌خواد بذاره بری.

۴:۵۵ صبح

داستان ما خوب تموم نشد
اما هنوز بهترین داستانیه که بلدم.

۱۰:۰۳ شب

یه روز دوباره

هم رو می بینیم

و طوری بهم نگاه می کنی

که بهت نگاه می کردم،

اما من هیچی احساس نمی کنم

صاف از کنارت رد می شم

یه لبخند هم روی صورتمه

و تو از درون داری می میری

چون خیلی زیادی طول کشید تا بفهمی

من فرد مناسب توام.

۹:۵۹ شب

فکر کنم وقتش رسیده که رهاش کنم.

و این کار سخته

چون بخشی از وجودم

تا ته زندگی‌ام عاشقت می‌مونه.

اما فکر و خیال‌ها،

قدم‌رو رفتن‌ها،

کارهای سالمی نیستن.

حالا این منم

منم که دارم کاری رو که باید ماه‌ها پیش می‌کردم

رو انجام می‌دم: خدا حافظی کردن.

۴:۰۹ صبح

امشب اینجا گیر کردم

روی تخت دراز کشیدم

و دارم فکر می‌کنم

که هیچ‌وقت

هیچ‌کدوم از

حرف‌ها رو

از ته دلت زدی یا نه.

۱۰:۰۴ شب

هیچ وقت نمی بخشمت

به خاطر

جوری که

همه چیز بینمون رو تموم کردی.

۱۱:۳۷ شب

تو اولین کسی هستی که من دلم رو نشونش دادم
تو دلیل این هستی که دیگه کسی قرار نیست
دلم رو ببینه.

۵۰:۱۱ شب

اگه یه موقعی تصمیم گرفتی برگردی،

جات هنوز توی قلب من محفوظه.

۱۲:۵۱ ظهر

درس مهم زندگی:

اگه بخواد، می تونه.

۲:۰۹ صبح

امسال من از دست دادم، بردم، شکست خوردم،

گریه کردم،

خندیدم، عشق ورزیدم اما مهم‌تر از همه

درس گرفتم.

۷:۰۸ عصر

من اهمیت می‌دم، من همیشه اهمیت می‌دم،

مشکلم هم همین‌ه.

۲:۴۹ صبح

تو هیچ وقت مال من نبودی
اما ازدست دادنت، دلم رو شکست.

۱:۱۹ صبح

من باید ترک می کردم چون دیگه نمی تونستم
التماست رو بکنم که با من خوب باشی.

۱:۱۱ صبح

من بلاکت نکردم.

محض اطمینان.

۱۱:۴۱ شب

وقتشه نقشت رو توی داستان من تموم کنی.

۱۲:۰۰ ظهر

غم‌انگیزترین بخشش، فهمیدن این بود که

می‌تونستیم نگهش داریم،

اگه واقعاً عاشقم بودی،

به‌خاطر من جنگیدی.

اما ن‌جنگیدی،

و معنی‌اش می‌شه که

من تو رو بیشتر دوست دارم

تا تو من رو.

۵:۰۷ صبح

می‌گن یه سال دیگه اهمیتی نداره، اما اگه داشته

باشه چی؟

اگه یه سال دیگه هنوز ناراحتم کنه چی؟

اون موقع چی؟

۴:۱۱ صبح

تو جا زدی و رفتی، یادته؟

۴:۵۹ صبح

تو قید من رو زدی،
حالا این منم که بالأخره
دارم قیدت رو می‌زنم.

۱۱:۳۳ شب

فکر کردم دارم رها می‌کنم،

تا اینکه یکی یه روز ازم پرسید:

«اگه یه آرزو داشتی، اون چی بود؟»

و اولین فکری که به ذهنم رسید این بود که

اون آرزو رو حروم تو کنم.

۵۷:۱۰ شب

و پس از ماه‌ها سکوت بود که

متوجه شدم

بهتره ما غریبه باشیم تا چیز دیگه.

۱۷:۱۰ شب

همه چیز هنوز من رو یاد تو می اندازه.

۸:۰۲ شب

نمی‌دونی که چقدر برای تو،
برای صحیح و سالم بودن،
برای آینده‌ات،
برای همه‌چیزات، دعا می‌کنم.

۱۱:۱۱ صبح

دردناک‌ترین خداحافظی‌ها

اون‌هایی‌ان که براشون توضیحی نیست.

۲:۰۰ صبح

من هنوزم به آخرین پیامی که فرستادی نگاه

می‌کنم.

۱۰:۰۹ شب

با یه «سلام» ساده شروع کردیم اما

با یه «خدا حافظی» پیچیده تمومش کردیم.

۱۰:۰۰ صبح

تو به زودی قراره بری،

و مطمئن نیستم کی

اما نمی تونم خدا حافظی کنم

از تو...

نمی دونم چجوری باید این کار رو کرد،

اما اگه می دونستم

هیچ وقت عاشقت نمی شدم.

مسئله اینه که

به آخرش رسیدیم

می خوام گریه کنم

می خوام رها کنم

اما «اگه هنوز دوستم داشته باشی چی؟»

برام بارقه نوره

اما داره کم سو می شه

چون من دارم به زور این کار رو می کنم

بعد از این که تو بری

حال من چی می شه؟

۵:۳۸ صبح

اگه قسمت باشه با هم باشیم

خدا بهم برت می گردونه.

۵۹:۱۰ شب

امیدوارم مراقب خودت باشی
و در هر دو جهان به شادی و آرامش برسی
همیشه دعائت می‌کنم.

۱۰:۱۰ صبح

نرو، دلم برات تنگ می شه...

:(